

# فهرست

	آزمون‌ها
۷	
۸	آزمون اول
۱۲	آزمون دوم
۱۶	آزمون سوم
۲۰	آزمون چهارم
۲۴	آزمون پنجم
۲۸	آزمون ششم
۳۲	آزمون هفتم
۳۶	آزمون هشتم
۴۰	آزمون نهم
۴۴	آزمون دهم
۴۸	<b>پاسخ‌نامه‌ی تشریحی</b>
۴۹	پاسخ‌نامه‌ی آزمون اول
۵۳	پاسخ‌نامه‌ی آزمون دوم
۵۸	پاسخ‌نامه‌ی آزمون سوم
۶۲	پاسخ‌نامه‌ی آزمون چهارم
۶۶	پاسخ‌نامه‌ی آزمون پنجم
۷۰	پاسخ‌نامه‌ی آزمون ششم
۷۴	پاسخ‌نامه‌ی آزمون هفتم
۷۸	پاسخ‌نامه‌ی آزمون هشتم
۸۲	پاسخ‌نامه‌ی آزمون نهم
۸۵	پاسخ‌نامه‌ی آزمون دهم



۶- مترجم چند اثر به زبان فارسی در کمانک روبه‌روی آن نادرست ذکر شده است؟ روح القوائین (علی‌اکبر دهخدا)، الایام (حسین خدیو جم)، مائده‌های زمینی (پرویز داریوش و جلال آل احمد)، ماه نو و مرغان آواره (ع. پاشایی)، مرزبان‌نامه (سعدالدین وراوینی)، تاریخ طبری (ابوعلی محمد بلعمی)، به سوی اصفهان (محمدعلی اسلامی ندوشن)، بینوایان (حسین قلی مستعان)، ائتلو (سعید سعیدپور) گفتار در روش به کار بردن خرد (ذکاءالملک فروغی)، قمارباز (جلال آل احمد)، تحفة النظائر و غرائب الامصار (دکتر محمد علی موحد)

(۱) دو (۲) یک (۳) چهار (۴) سه

۷- آثار کدام گزینه همگی از حسب حال‌های نیم قرن اخیر ادب فارسی‌اند؟

(۱) غزالی‌نامه، فرار از مدرسه، روزها، حیات یحیی

(۲) شرح زندگانی من، روزها، از پاریز تا پاریس، حیات یحیی

(۳) غزالی‌نامه، آن روزها، شرح زندگانی من، از پاریز تا پاریس

(۴) شرح زندگانی من، آن روزها، حیات یحیی، فرار از مدرسه

۸- نام نویسنده‌ی چند اثر در کمانک مقابل آن، نادرست ذکر شده است؟

مادام کاملیا (الکساندر دوما)، راه بشر سبع (غسان کنفانی)، تاریخ فردریک کبیر (توماس کارلایل)، مجالس پنج‌گانه (سعدی)، گفت و گوهای تنهایی (علی شریعتی)، روزگار سیاه (مرتضی مشفق کاظمی)، لایه‌های بیابانی (محمود دولت آبادی)، سیر حکمت در اروپا (محمد علی فروغی)، داستان دو شهر (چارلز دیکنز)، انقلاب آفریقا (فرانتس فانون)

(۱) سه (۲) یک (۳) چهار (۴) دو

۹- اگر ابیات زیر را با توجه به داشتن آرایه‌های «استعاره، تشبیه، حسن تعلیل، مجاز، ایهام تناسب» از بالا

به پایین مرتب کنیم، گزینه‌ی درست کدام است؟

الف) نه من اوفتاده تنها به کمند آرزویت  
ب) بامدادان که ز خلوت‌گه کاخ ابداع  
ج) همچو چنگ ار به کناری ندهی کام دلم  
د) هر کاو قدح ننوشد صافی درون نگردهد  
ه) آب در جو زآن نمی‌گیرد قرار  
۱) ج، ب، ه، الف، د (۲) ب، ه، د، الف، ج  
۳) ب، الف، ه، د، ج (۴) ج، الف، ه، د، ب

۱۰- در همهی ابیات، جز بیت ..... «جناس تام» به کار رفته است.

۱) اگر گرفت دلم ترک خویش و بیگانه  
۲) و گر خویش راضی نباشد ز خویش  
۳) ترک خویش و ترک خویشان می‌کنیم  
۴) کوتاه‌نظران را نبود جز غم خویش  
غریب نیست که بیگانه گشته است از خویش  
چو بیگانگانانش برانند ز پیش  
هرچه خویش ما کنون اغیار ماست  
صاحب‌نظران را غم بیگانه و خویش

۱۱- در کدام گزینه بعضی از آرایه‌های ذکر شده در مقابل آن، نادرست ذکر شده است؟

۱) تابی سرو پاباشد اوضاع فلک زین دست  
۲) سر زلف تو ندانم چه سیه‌کاری کرد  
۳) در زهد من نهفته بود رغبت شراب  
۴) تو پس پرده و ما خون جگر می‌ریزیم  
در سر هوس ساقی در دست، شراب اولی (مجاز، جناس تام)  
که بدین‌گونه تو در پای فکندی کارش (حسن تعلیل، استعاره)  
چون نغمه‌های تر که بود در زباب خشک (حسن آمیزی، تضاد)  
وه که گر پرده برافتد که چه شورانگیزیم (کنایه، ایهام تناسب)

۱۲- اجزای اصلی تشکیل دهنده‌ی جمله‌های اول، پنجم و هفتم عبارت زیر به ترتیب در کدام گزینه درست ذکر شده است؟

«آلبر کامو (۱۹۶۰-۱۹۱۳) در خانواده‌ای فقیر، در الجزایر، به دنیا آمد. او تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته‌ی فلسفه، به علت بیماری سل، ناتمام گذاشت. کامو مشاغل گوناگونی را تجربه کرد، مدتی روزنامه‌نگار بود؛ تدریس نیز می‌کرد، مدتی هم در تئاتر بود و بعد به نشر روی آورد. کامو در خلال جنگ جهانی دوم به گروه مقاومت فرانسه پیوست.»

- (۱) دوجزئی ناگذر، سه‌جزئی گذرا به مفعول، دوجزئی ناگذر  
 (۲) سه‌جزئی گذرا به متمم، دوجزئی ناگذر، سه‌جزئی گذرا به متمم  
 (۳) دوجزئی ناگذر، سه‌جزئی گذرا به مفعول، سه‌جزئی گذرا به متمم  
 (۴) سه‌جزئی گذرا به متمم، سه‌جزئی گذرا به مفعول، دوجزئی ناگذر

۱۳- در عبارت زیر، به ترتیب چند واژه‌ی «مرکب» و چند واژه‌ی «مشترک‌مرکب» وجود دارد؟

«حافظ اهلِ پرسش است. اندیشه‌ای جست‌وجوگر دارد و اهل گستاخی است. نگاه او ریزبین و ژرف‌کاو است و چشمی همه‌سونگر دارد. دنبال راهی است. خود را به زندان اندیشه‌های بسته‌ی زمان نمی‌افکند. دیوارها را می‌شکند و از چارچوب تنگ آن‌ها می‌گریزد. اندیشه‌ورزی و ژرف‌نگری حافظ، او را از ساده‌پنداری صوفیانه دور داشته و آزادی‌گری درونی، او را از پذیرش بی‌چون و چرای پندارهای خانقاهی بازداشته‌است.»

- (۱) پنج - چهار (۲) پنج - پنج (۳) چهار - چهار (۴) چهار - پنج

۱۴- در عبارت «در نثر ادبی نویسنده تلاش می‌کند اندیشه‌ها و عواطف خویش را در قالب مناسب‌ترین و زیباترین جمله‌ها بیان کند. نثر فارسی، معرف ذوق درخشان و والای ایرانیان است.» چند تکواژ وابسته وجود دارد؟

- (۱) چهارده (۲) شانزده (۳) پانزده (۴) سیزده

۱۵- در عبارت زیر به ترتیب چند «فعل ساده» و چند «فعل مرکب» به کار رفته است؟

«دنیاپی که مولوی با این بیان استوار و متعالی در مثنوی آفریده، پهنه‌ای است که در آن انسان در مصاف با بدی‌ها و تباهی‌ها و نادانی‌ها و از آن بالاتر، در مصاف با خویشتن، سرفراز و پیروز از کار درمی‌آید و زمانی که اقلیم هستی را درنوردید و به گوهر انسانی خویش دست یافت، خود را همچون جهان‌پهلوانی که برای دفاع از حیثیت و شرف و ناموس ابنای وطن خود جنگیده است، پیروز و سرفراز احساس می‌کند و شایستگی دریافت عنوان «کامل» را به دست می‌آورد.»

- (۱) سه - چهار (۲) دو - چهار (۳) سه - پنج (۴) دو - پنج

۱۶- در عبارت زیر چند «ترکیب وصفی» به کار رفته است؟

«سعدی، استاد سخن و یکه‌تاز عرصه‌ی نثر مسجع و شعر عاشقانه است. ظرافت بیان، استواری سخن، شیوایی و رسایی، سادگی و لطف کلام و عظمت و اعتدال از ویژگی‌های شعر و نثر اوست. غزل سعدی شیرین و شنیدنی، صمیمی و تأثیرگذار است و ساخت و بافتی روان و دل‌نواز دارد.»

- (۱) چهار (۲) پنج (۳) شش (۴) هفت

۱۷- مفهوم عبارت «ای کاش عظمت در نگاه تو باشد نه در چیزی که به آن می‌نگری.» در کدام بیت دیده می‌شود؟

- (۱) خیال روی تو چون بگذرد به گلشن چشم  
 (۲) گر نظر از عشق اندازی و بس  
 (۳) چیزهایی که نبایست ببیند بس دید  
 (۴) پرده‌ی شک را برانداز از میان  
 دل از پی نظر آید به سوی روزن چشم  
 کی نماید زشت در چشم تو خس  
 به خدا قاتل من دیده‌ی بینی من است  
 تا بمیمنی سود کردی یا زیان

۱۸- مفهوم کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- (۱) ای غبار خاک پایت توتیای چشم من  
 (۲) گرم شوی شب، تو به خورشید غیب  
 (۳) ز بهر روشنی چشم کز رخس دور است  
 (۴) غبار آستانت گریهام را می‌دهد تسکین  
 کم‌ترین گردی ز کویت خون‌بهای چشم من  
 چشم تو را باز کند توتیا  
 غبار از آن طرف و گرد از آن دیار بیار  
 از این به توتیایی نیست چشم اشکبارم را

۱۹- کدام بیت با عبارت زیر ارتباط معنایی دارد؟

«اگر خواهی به ما رسی، خود را بر در بگذار و در آی»

- ۱) جسم از جان روزافزون می‌شود
  - ۲) من چرا گرد جهان گردم؟ که دوست
  - ۳) به مستوران مگو اسرار مستی
  - ۴) چو ما اندر میان آییم، او از ما کران گیرد
- ۲۰- مفهوم هر دو بیت در همی گزینده‌ها به‌جز گزینته‌ی ..... یکسان است.

- ۱) با ساریان بگوید احوال آب چشمم  
کاروان بار سفر بست و از آن می‌ترسم
  - ۲) چندی کنم حکایت، شرح این قدر کفایت  
خفته در خواب خوش کجا داند؟
  - ۳) سعدی به روزگاران مه‌ری نشسته بر دل  
سعدیا، سهل است با هر کس گرفتن دوستی
  - ۴) چندین که برشردم از ماجرای عشقت  
این شرح بی‌نهایت کز زلف یار گفتند
- ۲۱- مفهوم آیه‌ی «و لا تبدیل لخلق الله» در کدام گزینته یافت نمی‌شود؟

- ۱) گر جان بدهد سنگ سیه، لعل نگرده
  - ۲) گر رنج پیش آید و گر راحت ای حکیم
  - ۳) به آب زمزم و کوثر سفید نوان کرد
  - ۴) ز قسمت ازلی چه‌ره‌ی سیه‌بختان
- ۲۲- مفهوم همی گزینده‌ها به‌جز گزینته‌ی ..... با جمله‌ی «اسلام همی رنگ‌های قومیت را زدود» مناسب است.

- ۱) از استخوان بی‌مغز پوچ است حرف‌گفتن
  - ۲) سیمای اصالت بُود از ناصیه ظاهر
  - ۳) از هنر خویش گشا سینه را
  - ۴) لاف از نَسب مزین که به مانند آینه
- ۲۳- بیت «حَسنت به ازل نظر چو در کارم کرد/ بنمود جمال و عاشق زارم کرد» با همی ابیات به‌جز بیت ..... ارتباط دارد.

- ۱) گوی قبولی به ازل ساختند
  - ۲) نبود نقش دو عالم که رنگ الفت بود
  - ۳) جز دلم کاو ز ازل تا به ابد عاشق رفت
  - ۴) عشق من با خط مشکین تو امروزی نیست
- ۲۴- بیت «بی عمر زنده‌ام من و این بس عجب مدار/ روز فراق را که نهد در شمار عمر؟» با کدام بیت تناسب دارد؟
- ۱) بی عمر و زندگانی روزم گذشت و حالم
  - ۲) مرا تو عمر عزیز و رفته‌ای ز برم
  - ۳) بدین صفت ز تکبیر به دوستان مگذر
  - ۴) نه روز می‌شمرم در انتظار جمالت
- ۲۵- بیت زیر با همی گزینده‌ها به‌جز گزینته‌ی ..... ارتباط مضمونی دارد.

- «مهیمن مهرورزان که آزاده‌اند
- ۱) ریشه در خاک تعلق نیست اهل شوق را
  - ۲) به زنجیر تعلق، خلق را دست قضا بندد
  - ۳) سیل را خاشاک در زنجیر نتوانست کرد
  - ۴) از علایق فارغاند آزادمردان همچو سرو
- بریزند از دام جان تارها»
- می‌رود بیرون ز دنیا پای‌کوبان، گردباد  
چو صیادی که صید کشتنی را دست و پا بندد  
ره‌روان عشق را دنیا نگرده پای‌بند  
خار نتواند گرفتن دامن برچیده را

## پاسخ‌نامه‌ی تشریحی آزمون دهم

۱- گزینه‌ی «۲» **گزینه‌ی «۱»** مفتول: رشته‌ی دراز و باریک فلزی، سیم

**گزینه‌ی «۳»**: زاغه: سوراخی در کوه یا تپه یا بیابان که محل استراحت چارپایان است، آغل  
**گزینه‌ی «۴»**: کله: خیمه‌ای از پارچه‌ی تُنک و لطیف که آن را همچون خانه می‌دوزند، پشه‌بند، حجله‌ی عروسی

۲- گزینه‌ی «۴»

۳- گزینه‌ی «۱» **معنی درست** واژگانی که نادرست معنی شده‌اند:

**کنم**: پنهان داشتن، پوشیده‌داشتن، پنهانگاه، جای پوشیده  
**آوند**: معلق

۴- گزینه‌ی «۴» **خاری ← خواری**

**قدر ← غدر**، غدری اندیشید یعنی بی‌وفایی و خیانت کرد.

• **«عاجل»** به معنی حال است و «آجل» آینده. در متن، این دو واژه به شکل درست آمده‌اند.

۵- گزینه‌ی «۱» **در گزینه‌ی «۱»**، دو غلط املائی و در گزینه‌های دیگر یک غلط املائی وجود

دارد. غلط‌های املائی هر کدام از گزینه‌ها:

**گزینه‌ی «۱»**: عمارت ← امارت/ گذارد ← گزارد **گزینه‌ی «۲»**: فراق ← فراغ

**گزینه‌ی «۳»**: رزایل ← رذایل **گزینه‌ی «۴»**: حتام ← حطام

۶- گزینه‌ی «۱» **موارد نادرست:**

**مترجم به سوی اصفهان**: بدرالدین کتابی **مترجم اتللو**: ناصرالملک

۷- گزینه‌ی «۲» **در کتاب ادبیات پیش‌دانشگاهی**، صفحه‌ی ۵۴، آثار مندرج در گزینه‌ی «۲»

حسب حال‌های نیم‌قرن اخیر ادب فارسی دانسته شده است.

• **یادآوری** غزالی‌نامه و فرار از مدرسه زندگی‌نامه‌اند.

۸- گزینه‌ی «۴» **موارد نادرست:**

**راه بشر سبب**: اثر ائل مانین **روزگار سیاه**: اثر عباس خلیلی

۹- گزینه‌ی «۳» **با آرایه‌ی حسن تعلیل شروع می‌کنیم**. باید ابیات «ه» و «د» بررسی شوند.

در بیت «ه» شاعر برای جاری بودن آب در جو و ساکن نبودن آن دلیل شاعرانه آورده است. اما در بیت «د»

حسن تعلیل وجود ندارد؛ پس گزینه‌ی «۲» رد می‌شود. آرایه‌ی بعدی تشبیه است که آن را در ابیات «ب»

و «الف» بررسی می‌کنیم. در بیت «الف»، «کمند آرزو» اضافه‌ی تشبیهی است. در بیت «ب» تشبیه وجود

ندارد؛ پس گزینه‌ی «۱» هم حذف می‌شود.

آرایه‌ی بعدی **ایهام تناسب** است که آن را در ابیات «ج» و «ب» بررسی می‌کنیم. در بیت «ب» ایهام تناسب

وجود ندارد ولی در بیت «ج» دو کلمه ایهام تناسب دارند: (۱) چنگ: الف نوعی ساز (معنی قابل قبول) و

(ب) پنجه‌ی دست (معنی غیرقابل قبول) که با دل و لب تناسب دارد. (۲) کام: الف خواسته و آرزو (معنی

پذیرفتنی) و (ب) دهان (معنی غیرقابل قبول) و متناسب با لب و کنار (= آغوش). پس پاسخ گزینه‌ی «۳»

است. لازم است آرایه‌های باقی‌مانده را مطابق گزینه‌ی «۳» بررسی کنیم:

**استعاره**: بیت «ب»: «شمع خاور» استعاره از خورشید است. / «کاخ ابداع»: استعاره از فلک و آسمان

**مجاز**: بیت «د»: «قدح» مجاز از شراب است.



۱۰- گزینهی «۲» «خویش» در گزینهی «۲»، در هر دو مورد، به معنای «فامیل و خویشاوند»

است. شاعر می‌گوید اگر فامیل از فامیل راضی نباشد چو بیگانه‌ای او را از پیش خود می‌راند. بررسی جناس تام در سایر گزینه‌ها:

گزینهی «۱» خویش در مصراع اول به معنای فامیل و در مصراع دوم، به معنای خود است.

گزینهی «۳» و «۴»، خویش در مصراع اول به معنای خود و در مصراع دوم، به معنای فامیل است.

۱۱- گزینهی «۴» بررسی گزینه‌ها:

گزینهی «۱» مجاز: واژه‌ی «شراب» مجاز از جام شراب است.

جناس تام: واژه‌ی «دست» در مصراع اول به معنای نوع و گونه است و مصراع دوم عضوی از بدن است.

گزینهی «۲» حسن تعلیل: شاعر برای بلندی و درازی زلف معشوق که تا به پای او (معشوق) رسیده است، دلیلی شاعرانه ذکر کرده است.

استعاره: شاعر به زلف معشوق ویژگی انسانی بخشیده و هر تشخیص یک استعاره است.

گزینهی «۳» حس آمیزی: نغمه‌های تر

تضاد: تر و خشک تضاد است.

گزینهی «۴» ایهام تناسب: وجود ندارد.

کنایه: «خون جگر خوردن» کنایه از رنج و عذاب بسیار کشیدن است و «پرده افتادن» کنایه از آشکار فاش شدن آن‌چه مخفی است.

۱۲- گزینهی «۳» \* جمله‌ی اول: آلبرکامو (۱۹۶۰-۱۹۱۳) در خانواده‌ای فقیر در الجزایر به دنیا

آمد. با فعل ناگذر «به دنیا آمد» ← دوجزئی ناگذر

• جمله‌ی پنجم: تدریس نیز می‌کرد با فعل گذرا به مفعول «می‌کرد» در معنای انجام دادن ← سه‌جزئی گذرا به مفعول (واژه‌ی تدریس در این جمله مفعول است).

• جمله‌ی هفتم: بعد به نشر روی آورد. با فعل گذرا به متمم «روی آورد» ← سه‌جزئی گذرا به متمم

۱۳- گزینهی «۴» • واژه‌های مرکب: ریزبین، ژرف‌کاو، همه‌سونگر، چارچوب

• واژه‌های مشتق مرکب: جست‌وجوگر، اندیشه‌ورزی، ژرف‌نگری، ساده‌پنداری، بی‌چون و چرا

۱۴- گزینهی «۲» تکواژهای وابسته‌ی متن داده‌شده عبارت‌اند از:

۱- «ی» در ادبی ۲- «نه» در نویسنده ۳- «می» در می‌کند

۴- «د» در می‌کند ۵- «ه» در اندیشه ۶- «ها» در اندیشه‌ها

۷- «ترین» در مناسب‌ترین ۸- «ا» در زیباترین ۹- «ترین» در زیباترین

۱۰- «ها» در جمله‌ها ۱۱- «د» در کند ۱۲- «ی» در فارسی

۱۳- «ان» در درخشان ۱۴- «ی» در ایرانیان ۱۵- «ان» در ایرانیان

۱۶- تکواژ صفر Ø در است.

نکته نقش‌نمای اضافی «یا ی» تکواژ آزادند.

نکته تکواژ صفر Ø همان شناسه‌ی «د» است که یک تکواژ وابسته است.

۱۵- گزینهی «۱» \* فعل‌های ساده: آفریده است، است، جنگیده است.

• فعل کمکی «است» در «آفریده است» به قرینه‌ی لفظی حذف شده است.

• فعل‌های مرکب: از کار در می‌آید، دست یافت، احساس می‌کند، به دست می‌آورد.

• فعل «درون‌رید» پیشوندی است.

۱۶- گزینهی «۳» ترکیب‌های وصفی متن داده‌شده عبارت‌اند از: نثر مسجع، شعر عاشقانه، ساخت

روان، بافت روان، ساخت دل‌نواز، بافت دل‌نواز.

۱۷- گزینهی «۲» در عبارت متن سؤال و گزینهی «۲»، بر ژرف‌نگری و بصیرت شخص بیننده

تأکید شده است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی «۱» نهایت اشتیاق عاشق به دیدار معشوق و خیال او  
گزینه‌ی «۳» بصیرت و بینایی مایه‌ی زبان و آسیب انسان آگاه است.  
گزینه‌ی «۴» بررسی سود و زیان تنها با یقین ممکن است.

۱۸- گزینه‌ی «۲» در شعر عاشقانه‌ی فارسی، خاک کوی معشوق، شفافبخش چشم دردمند عاشق است. گزینه‌های «۱» و «۳» و «۴» به این موضوع اشاره دارند.  
در مصراع دوم گزینه‌ی «۲»، «توتیا» مایه‌ی روشنی چشم دانسته شده است نه خاک کوی معشوق. توتیا در تعبیر شاعرانه، وسیله‌ای است برای روشنایی چشم.

۱۹- گزینه‌ی «۴» شرط رسیدن به حق، ترک هستی مادی است. عبارت متن سؤال و گزینه‌ی «۴» بر این نکته تأکید دارند.  
مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی «۱» قوت جسم از جان است.  
گزینه‌ی «۲» خداوند از رگ گردن به ما نزدیک تر است.  
گزینه‌ی «۳» عشق را همگان درک نمی‌کنند.

۲۰- گزینه‌ی «۴» دو بیت آمده در گزینه‌ی «۴» با هم ارتباطی ندارند. بیت اول بر بی‌شماربودن غم عشق تأکید دارد و بیت دوم بر توصیف‌ناپذیر بودن زیبایی معشوق.  
بررسی مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی «۱» اغراق در اشکریزی عاشق هنگام جداشدن معشوق از او، به گونه‌ای که اشک عاشق مانع از حرکت کاروانی شود که معشوق در آن است.  
گزینه‌ی «۲» تنها عاشق حال عاشق را درک می‌کند.  
گزینه‌ی «۳» عشق و محبت، به آسانی، فراموش‌شدنی نیست.

۲۱- گزینه‌ی «۲» لا تَبْدِیلَ لِخَلْقِ اللَّهِ (قسمتی از آیه‌ی شریف ۳۰، سوره‌ی مبارک روم)؛ یعنی آفرینش خدا تغییرناپذیر است. این مفهوم در گزینه‌های «۱» و «۳» و «۴» به روشنی دیده می‌شود. در گزینه‌ی «۴» شاعر می‌گوید، منشأ هر اتفاقی چه خوب و چه بد فقط خداوند است.

۲۲- گزینه‌ی «۲» «حَسَب» یعنی بزرگواری و فضیلت‌های اکتسابی در مقابل «نَسَب» که به معنای نژاد و تبار است. مفهوم مشترک گزینه‌های «۱» و «۳» و «۴»، تأکید بر داشتن حَسَب است؛ یعنی، بهره‌مندی از بزرگواری و فضیلت‌های اکتسابی، نه افتخار به تبار و نژاد.  
مفهوم گزینه‌ی «۲»: افتخار به اصل و نَسَب خود.

۲۳- گزینه‌ی «۱» بیت متن سؤال و گزینه‌های «۲» و «۳» و «۴» بر ازلی‌بودن عشق انسان به خدا اشاره دارند، که چنین مفهومی در گزینه‌ی «۱» دیده نمی‌شود.  
۲۴- گزینه‌ی «۴» ایام دوری از معشوق، عمر عاشق محسوب نمی‌شود.

بیت متن سؤال و گزینه‌ی «۴» به این موضوع اشاره دارند.  
مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی «۱» حسرت و ناکامی عاشق را تنها عاشق می‌فهمد.  
گزینه‌ی «۲» وجود معشوق برای عاشق، مانند جان عزیز است.

گزینه‌ی «۳» اگرچه یار مثل عمر عزیز است، نباید با غرور رفتار کند، زیرا عزت و محبوبیت هم مثل عمر ناپایدار است.  
۲۵- گزینه‌ی «۲» عاشقان حق برای رسیدن به خدا به هر نوع تعلق دست‌وپاگیر دنیایی پشت‌پا می‌زنند و خود را از وابستگی‌های دنیایی رها می‌کنند. بیت متن سؤال و گزینه‌های «۱» و «۳» و «۴» به این مفهوم اشاره دارند.  
در گزینه‌ی «۲»، شاعر می‌گوید، روزگار انسان را در دام تعلقات دنیایی گرفتار می‌کند و به تباهی می‌کشاند.

